



مقایسه سبک های دل بستگی و تمایز یافتگی در دختران با نشانگان ضربه عشق و دختران عادی

مریم فرخی راد^۱، مختار عارفی^۲*

۱ گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران.

۲ گروه روانشناسی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، واحد علوم و تحقیقات کرمانشاه، دانشگاه آزاد

اسلامی، کرمانشاه، ایران.

نویسنده رابط (مسئول): دکتر مختار عارفی

m.arefi@iauksk.ac.ir

چکیده

این پژوهش به بررسی مقایسه سبک های دل بستگی و تمایز یافتگی در دختران با نشانگان ضربه عشق و دختران عادی پرداخت. جامعه این پژوهش را دانشجویان دختر دانشگاه های استان کرمانشاه با دامنه سنی ۱۸ تا ۲۸ سال را تشکیل می دهند که به نوعی دچار شکست عشقی یا عاطفی شده اند و همچنین دختران عادی تشکیل می دهند. حجم نمونه تعداد ۲۰۰ نفر آزمودنی (برای هر زیر گروه ۱۰۰ نفر) بود که به روش نمونه گیری هدفمند انتخاب شدند. در این پژوهش از پرسشنامه های سبک دل بستگی بزرگسالان، خودتمایز سازی و پرسشنامه ضربه عشق راس استفاده شد. یافته های پژوهش نشان داد که بین سبک های دل بستگی و تمایز یافتگی در دختران با نشانگان ضربه عشق و دختران عادی تفاوت معنی داری دیده شد این معنی داری مبین این است که حداقل در میانگین یکی از مقیاسها در بین دو گروه تفاوت معنی داری وجود دارد. با توجه به یافته های پژوهش میتوان نتیجه گرفت که سبک های دل بستگی و تمایز یافتگی از متغیر های مرتبط و پیش بین ضربه عشق اند که این نکته می تواند مورد توجه برنامه ریزی هایی در این رابطه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: سبک های دل بستگی، تمایز یافتگی، نشانگان ضربه عشق

مقدمه

در هر دوره از زندگی، فرد درگیر روابط ویژه ای با دیگران است که می تواند سلامت فردی و اجتماعی او را ارتقا بخشد یا وی را دچار آسیب کند (موسوی، ۱۳۸۶). یافتن شریک زندگی، رویداد مهمی در رشد بزرگسالی است که تاثیر عمیقی بر خودپنداره و سلامت روانی دارد (پور شریفی و همکاران، ۱۳۸۳). در پژوهش های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۲ درصد دانشجویان در سال ۸۳ و ۲۱ درصد در سال ۸۴ اظهار کردند که اخیراً تجربه داشته اند. چنین شکستی شکست در روابط عاطفی شدیداً می تواند در افت تحصیلی نقش داشته باشد. با ورود به دانشگاه، شکست عاطفی ابعاد



جدیدی می یابد، زیر ا با تغییر موقعیت و دوری از خانواده؛ نیازمندی های عاطفی خاص تر شده و از طرفی امکان ارتباط با جنس دیگر فراهم می شود اما برخی افراد در حالی درگیر این روابط می شوند که هنوز رشد اجتماعی لازم را کسب نکرده اند، نتیجه برای اولین دچار مشکلاتی می شوند. راس نشانگان ضربه ی عشق را معرفی نمود. نشانگان ضربه ی عشق، مجموعه علائم و نشانه های شدیدی است که پس از فروپاشی یک رابطه رمانتیک بروز می کند، عملکرد فرد را در زمینه های متعدد (تحصیلی، اجتماعی و حرفه ای) مختل می کند، واکنش های غیر انطباقی به دنبال دارد، و مدت زمان زیادی این نشانه ها باقی می ماند این فروپاشی، آنقدر قدرتمند است که افسردگی و خشم (برک، ۲۰۰۷). یکی از مواردی که در این باره دارای اهمیت است دل بستگی است رفتار دل بستگی دارای ارزش تکاملی برای انسان ها بوده است و به همین دلیل جزء ذخایر ژنتیک رفتاری آن ها درآمده است. به نظر بالبی دل بستگی پیوند عاطفی نسبتاً پایداری است که بین کودک و یک یا تعداد بیشتری از افرادی که در تعامل واقعی و منظم با آنها می باشد، ایجاد می گردد (مظاهری، ۱۳۷۷). به عقیده بالبی برای تامین سلامت روانی کودک، برقراری روابط صمیمی، گرم و دایمی بین او و مادرش یا کسی که بتواند به طور شایسته جایگزین وی شود ضروری است. چنان روابطی که مورد رضایت هر دو طرف بوده و از آن لذت ببرند. لذا نظر به اینکه تحقیقات قبلی در مورد رابطه بین سبک های دل بستگی با خودکارآمدی و امید به زندگی نتایج ضد و نقیضی را گزارش نموده اند، این پژوهش می تواند نقش بسزایی در تنویر نتایج قبلی ایفا نماید. همچنین با توجه به اینکه بررسی همزمان رابطه متغیرهای سبک های دل بستگی، خودکارآمدی و امید به زندگی کمتر مورد توجه بوده نتایج پژوهش می تواند زمینه ساز تحقیقات بیشتر در این راستا باشد.

بیان مساله

نشانگان ضربه عشق، مجموعه علائم و نشانه های شدیدی است که پس از فروپاشی یک رابطه عشقی بروز می کند، زمان زیادی به طول می انجامد و عملکرد فرد را در زمینه های متعدد (روانی، اجتماعی و حرفه ای) مختل می کند و واکنش های غیر انطباقی را به دنبال دارد (دهقانی، ۱۳۸۹). در تحقیقی که توسط دهقانی (۱۳۸۹) تحت عنوان کارایی روان درمانی کوتاه مدت تعدیل کننده اضطراب بر نشانگان ضربه عشق صورت گرفت نتایج این تحقیق نشان داد که تاثیر روان درمانی پویایی کوتاه مدت مک کالو بر کاهش نشانگان ضربه عشق از نظر بالینی معنادار است این تحقیق نشان داد که روان درمانی پویایی کوتاه مدت مک کالو در درمان نشانگان ضربه عشق کارایی مناسبی دارد. بنابر نظریه بالبی (۱۹۸۲-۱۹۶۹) انسان با یک سیستم روانی - زیستی به نام سیستم رفتار دل بستگی متولد می شود. این سیستم، ارزشی انطباقی داشته و فرد را به حفظ نزدیکی و همجواری با افراد مهم زندگی یا تصاویر دل بستگی کسانی که کودک می تواند در موقعیت های تهدید آمیز نزدیک آنها بماند تا شانس او برای سازش یافتگی و بقا افزایش یابد سوق می دهد. براساس نظریه ی دل بستگی فعالیت سیستم دل بستگی، محدود به دوران کودکی نبوده و در تمام طول زندگی و پیوندهای عاطفی دیگری چون دوستی ها، ازدواج، روابط خویشاوندی و غیره فعال باقی می ماند و انسان ها در هیچ سنی بطور کامل از احساس اعتماد نسبت به افراد مهم زندگی آزاد نیستند (مظاهری، ۱۳۷۹، هازن و شاور، ۱۹۹۰). مفهوم الگوهای فعال درونی، پایه و اساس فهم چگونگی تأثیر فرآیندهای دل بستگی در روابط بزرگسالی بوده و علت اصلی تداوم و پیوستگی بین تجارب دل بستگی اولیه با شناخت ها، احساسات و رفتارها در روابط بعدی است این الگوها در مراحل مختلف رشد هشیارانه (عمدتاً هشیارانه) در سطح روابط میان فردی تعمیم یافته، نقش مهمی در شکل گیری شناخت ها، عواطف و رفتارهای ما بازی می کنند (میکولینسر، ۲۰۰۵). یکی از متغیرهایی که در رابطه بخود تمایز یافتگی یا تفکیک خود که مهمترین مفهوم نظریه سیستمی بوئن است، به عنوان توانایی برقراری تعادل بین خود مختاری هیجانی و عقلانی، صمیمیت و پیوستگی در روابط توصیف می شود (مته یارد، اندرسون و مارکس، ۲۰۱۱). حاصلی و جامی (۲۰۰۶)؛ به نقل از گل محمدی) رابطه بین دینداری و سبک دل بستگی عاشقانه را با رضایت زناشویی را بررسی کردند: نتایج نشان داد که زوج های با تعهد مذهبی یکسان، رضایت زناشویی بیشتری نسبت به زوج های با اختلاف زیاد در تعهد مذهبی دارند. تعهد مذهبی، رابطه ی بین دل بستگی و رضایت زناشویی را متعادل می کند.



همچنین یکی از متغیرهایی که مورد بررسی قرار می‌گیرد تمایز یافتگی است که بر اساس این نظریه حداقل ۴ عامل، واکنش‌پذیری عاطفی، گسلس عاطفی، آمیختگی با دیگران و توانایی به دست آوردن جایگاه من از پیش بینی کنندگان سطح تمایز یافتگی یک فرد هستند (دی کار، ۲۰۰۸؛ گلید، ۲۰۰۵). افراد تمایز یافته تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند، آنها می‌توانند جهت خویش را در زندگی انتخاب کنند و در موقعیت‌های شدیداً عاطفی که در بسیاری از افراد منجر به بروز رفتارهای غیرارادی و گرفتن تصمیمات نافرجام می‌شود، کنترل خود را از دست ندهند و با در نظر گرفتن عقل و منطق تصمیم‌گیری کنند. در مقابل، افراد تمایز نیافته که هویت تعریف شده‌ای از خود ندارند و در نقش‌ها و مسائل بین شخصی موجود همراه با موج عاطفی خانواده حرکت می‌کنند، اضطراب مزمن بالایی را تجربه می‌کنند و مستعد مشکلات روان‌شناختی و بروز نشانه‌های بیماری هستند (شکیبایی، ۱۳۸۵). تامسون، فرایدر، اسکورون و دانکی (۲۰۰۴) در پژوهش با عنوان رابطه تمایز یافتگی و دلبستگی در بزرگسالی بیان می‌کنند که سطوح بالای تمایز یافتگی، پیش‌بینی‌کننده‌ی مهارت‌های بهتر حل مسائل، کودک‌آزاری پایین‌تر سطوح بالاتر کنترل موفق و سازگاری زناشویی بالا بوده است، همچنین ارتباط معکوس و معناداری بین سطوح بالاتر تمایز یافتگی و وجوه اضطراب مزمن و نشانگان بیماری هم آمیختگی بالاتر بین زوجین و ابعاد ناامنی بزرگسالان اضطراب امتحان بالاتر و عملکرد شناختی ضعیف‌تر مشاهده شده است. محققان برجسته و بسیاری به بررسی متغیرهای سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی پرداخته‌اند اما آنچه تاکنون علیرغم اهمیتش از نظر دور مانده است بررسی این متغیرها در دختران با نشانگان ضربه عشق و مقایسه آن در دختران عادی می‌باشد بنابراین هدف از انجام پژوهش حاضر مقایسه سبک‌های دلبستگی و تمایز یافتگی در دختران با نشانگان ضربه عشق و دختران عادی می‌باشد. با این امید که نتایج این تحقیق بتواند به عنوان ابزاری مفید در رابطه با شکست عشقی مورد توجه برنامه‌ریزان قرار گیرد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر با توجه به بررسی دو گروه از افراد با نشانگان ضربه عشق و دختران عادی از نوع تحقیقات علی-مقایسه‌ای است. در این مطالعه تعداد ۱۰۰ نفر آزمودنی (برای هر زیرگروه ۵۰ نفر) به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند از این میان تعداد ۵۰ نفر از دختران دچار شکست عشقی و ۵۰ نفر از دختران عادی انتخاب شدند. جمع‌آوری داده‌ها به وسیله پرسشنامه سبک دلبستگی بزرگسالان، پرسشنامه تمایز یافتگی خود و پرسشنامه ضربه عشق راس صورت گرفت. تجزیه و تحلیل اطلاعات با استفاده از نرم‌افزار SPSS نسخه ۲۱ انجام شد. از آمار توصیفی و آمار استنباطی (آزمون تحلیل واریانس یک‌راهه (آنوا)) برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شد و سطح معنی‌داری برای آزمون‌ها $p < 0/05$ در نظر گرفته شد.

یافته‌های پژوهش

برای بررسی همگنی واریانس‌ها (مفروضه انجام تحلیل واریانس) در گروه‌ها از آزمون لون استفاده شد، نتایج نشان داد که فقط برای دو خرده‌مقیاس سبک‌های دلبستگی واریانس‌ها در گروه‌ها برابر است ($p\text{-value} > 0/05$)، اما برای سایر خرده‌مقیاس‌ها واریانس در گروه‌ها برابر نیست ($p\text{-value} < 0/05$). نتایج در جدول ۱ آمده است.



جدول ۱ نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس‌های نمرات خرده مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی

خرده مقیاس‌ها	F	۱df	۲df	سطح معناداری
سبک دلبستگی اضطرابی	۷/۶	۱	۱۹۰	۰/۰۰۴
سبک دلبستگی اجتنابی	۷/۶	۱	۱۹۰	۰/۰۰۴

همانطور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود نتایج نشان می‌دهد که تحلیل واریانس مقیاس سبک دلبستگی ایمن با $F_{12/27}$ در سطح $P < 0/01$ معنادار است. یعنی در این خرده مقیاس بین دو گروه تفاوت معنادار بود. نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میانگین سبک دلبستگی در دو گروه تفاوت معنادار است.

جدول ۲ نتایج تحلیل واریانس یک راهه برای مقایسه میانگین‌های سبک دلبستگی در دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجذروات	df	میانگین مجذروات	F	سطح معنی‌داری
بین گروهی	۲۸۱/۸	۱	۲۸۱/۸	۱۲/۲۷	۰/۰۰۱
سبک دلبستگی درون گروهی	۲۲۶۴/۳	۱۹۰	۱۰/۳		
کل	۲۵۴۶/۱	۲۰۰			

در اینجا ذکر این مطلب ضروری به نظر می‌رسد که با توجه به عدم برقراری مفروضه‌های همگنی واریانس‌ها در خرده مقیاس‌های سبک دلبستگی، ایمن، اضطرابی، اجتنابی به جای آزمون تحلیل واریانس از آزمون t مستقل برای مقایسه دو گروه در این خرده مقیاس‌ها استفاده شد. همانطور که در جدول ۳ مشاهده می‌شود در زیر مقیاس دلبستگی اضطرابی و دلبستگی اجتنابی نیز بین دو گروه تفاوت معنادار است ($t = -2/5$, $p < 0/01$) و در زیر مقیاس دلبستگی ایمن نیز بین دو گروه تفاوت معنادار وجود دارد ($t = -2/18$, $p < 0/01$) نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۳ نتایج آزمون t برای مقایسه خرده مقیاس‌های سبک‌های دلبستگی در دو گروه دختران عادی و نشانگان ضربه عشق



متغیرها	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	Df	sig
دل بستگی ایمن	دختران عادی	۱۱/۴	۲/۴	-۲/۵	۲۱۴	۰/۰۰۴
	نشانگان ضربه عشق	۱۲/۳	۲/۸			
دل بستگی اجتنابی	دختران عادی	۱۱/۴	۲/۴	-۲/۵	۲۱۴	۰/۰۰۴
	نشانگان ضربه عشق	۱۲/۳	۲/۸			
دل بستگی اضطرابی	دختران عادی	۱۴/۹	۳/۱	-۲/۱۸	۲۱۴	۰/۰۰۵
	نشانگان ضربه عشق	۱۶	۴/۱			

فرضیه ۲: بین دختران با نشانگان ضربه عشق و دختران عادی در تمایز یافتگی تفاوت وجود دارد

برای بررسی همگنی واریانس‌ها (مفروضه انجام تحلیل واریانس) در گروه‌ها از آزمون لون استفاده شد، نتایج نشان داد که فقط برای خرده مقیاس واکنش عاطفی واریانس‌ها در گروه‌ها برابر است ($p\text{-value} > 0/05$)، اما برای سایر خرده مقیاس‌ها واریانس در گروه‌ها برابر نیست ($p\text{-value} < 0/05$). نتایج در جدول ۴ آمده است.

جدول ۴ نتایج آزمون لون برای بررسی برابری واریانس‌های نمرات خرده مقیاس‌های تمایز یافتگی

خرده مقیاس‌ها	F	۱df	۲df	سطح معناداری
بعد محبت	۲۱/۳	۱	۲۱۴	۰/۰۰۱
واکنش عاطفی	۰/۳۵	۱	۲۱۴	۰/۵
حالت من	۴/۴	۱	۲۱۴	۰/۰۳
گسلش عاطفی	۰/۲۸	۱	۲۱۴	۰/۴
آمیختگی با دیگران	۳/۸	۱	۲۱۴	۰/۰۲



برای مقایسه‌ی میانگین‌های خرده مقیاس واکنش عاطفی در دو گروه از تحلیل واریانس یک راه استفاده شد که نتایج نشان داد تحلیل واریانس با $F=16$ معنادار است و این بدان معنی است که بین دو گروه دختران عادی و دختران با نشانگان ضربه عشق در خرده مقیاس واکنش عاطفی تفاوت معناداری وجود دارد. نتایج در جدول ۵ آمده است.

جدول ۵ نتایج تحلیل واریانس یک راه برای مقایسه میانگین‌های خرده مقیاس واکنش عاطفی در دو گروه

منبع تغییرات	مجموع مجزوات	df	میانگین مجزوات	F	سطح معنی داری
بین گروهی	۶۰/۵۸	۱	۶۰/۶	۱۶	۰/۰۰۱
درون گروهی	۶۴۶/۸	۲۱۸	۳/۴۲		
کل	۸۰۸/۵	۲۱۹			

همانطور که در جدول ۶ مشاهده می‌شود در زیرمقیاس محبت تفاوت معناداری بین گروه دختران عادی و دختران با نشانگان ضربه عشق وجود دارد ($p<0/01$)، در زیر مقیاس حالت من، گسلس عاطفی و آمیختگی با دیگران نیز بین دو گروه تفاوت معنادار است ($p<0/01$) نتایج در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶ نتایج آزمون t برای مقایسه خرده مقیاس‌های تمایز یافتگی در دو گروه دختران عادی و دختران با نشانگان ضربه عشق

متغیرها	گروه	میانگین	انحراف معیار	T	df	سطح معناداری
بعد محبت	دختران عادی	۱۲/۳	۱/۶			
ضربه عشق	دختران عادی	۱۳/۱۰	۲/۵	-۲/۵	۲۱۴	۰/۰۰۱
حالت من	دختران عادی	۱۰/۷	۱/۸			
ضربه عشق	دختران عادی	۱۱/۶	۳/۸	-۲/۸	۲۱۴	۰/۰۳
گسلس عاطفی	دختران عادی	۱۳/۱	۳/۲			
ضربه عشق	دختران عادی	۱۴/۳	۳/۸	-۳/۹	۲۱۴	۰/۰۰۳
آمیختگی با دیگران	دختران عادی	۱۲/۱	۱/۸			
ضربه عشق	دختران عادی	۱۳/۸	۱۲/۳	-۲/۳	۲۱۴	۰/۰۰۱

بحث و نتیجه گیری

در تبیین این یافته می‌توان بیان داشت که توصیفی از عشق که بوسیله‌ی تئوری دل‌بستگی بیان شده عواطف مثبت و منفی را شامل می‌شود: مثل ترس از صمیمیت، حسادت، دوره‌های خوشی و ناخوشی عاطفی، مراقبت، صمیمیت و اعتماد. این نظریه جدایی و فقدان را بررسی کرده و شرح می‌دهد تنهایی و عشق چگونه با هم رابطه دارند. افراد با سبک دل‌بستگی متفاوت باورهای متفاوتی را درباره‌ی دوره‌ی عشق رمانتیک، در دسترس بودن، قابلیت اعتماد



شرکای عشقی و آمادگی عشق در خودشان دارند. این باورها ممکن است بخشی از دایره ای (دور باطل افراد ناایمن) باشد که در آن تجربه بر باورهای فرد درباره خود و دیگران تأثیر می گذارد و این باورها نیز بر رفتار و پیامدهای ارتباطی اثر خواهد گذاشت.

محققان نظریه ی دلبستگی اغلب بین استفاده از اصطلاحات ایمن، اجتنابی و مضطرب/دوسوگرا برای توصیف رابطه و یا طبقه بندی افراد تردید دارند. ما بر انسجام فردی تأکید داریم اما انکار نمی کنیم که روابط پیچیده بوده و پدیده ای قوی است که تأثیراتی بجز متغیرهای شخصیتی قابل پیش بینی بر آن مؤثر است. یک شخص با دلبستگی ایمن ممکن است در تلاش برای برقراری ارتباط با یک شخص مضطرب/دوسوگرا مجبور شود به سبک اجتنابی احساس کرده و عمل کند. یک شخص با دلبستگی اجتنابی ممکن است باعث شود طرف مقابلش که سبک دلبستگی ایمن دارد به سبک اضطرابی احساس کرده و عمل کند. روابط عاشقانه و عاطفی بین زوج ها دقیقاً عین رابطه ی کودک و مراقبش نیست، بلکه اصول زیربنایی نظریه ی دلبستگی برای هر دو نوع رابطه کاربرد دارد. تفاوت های فردی در رفتار دلبستگی بزرگسالی بازتاب باورها و انتظاراتی هستند که افراد درباره ی خودشان و روابط صمیمانه شان در رابطه ی دلبستگی قبلی داشته اند. این مدل های فعال ساز نسبتاً ثابت هستند و انعکاس نوع روابط اولیه ی فرد با مادرش می باشند. با این حساب تجارب روابط ابتدایی، مدل های درونی و سبک های دلبستگی ای را ایجاد می کند که بر روابط دلبسته ی بعدی اثر می گذارند و جهت گیری های دلبستگی در روابط عاطفی بزرگسالان بر رابطه ی عاطفی آنها با فرزندان خودشان نیز تأثیر می گذارد. این مدل های فعال ساز و سبک گیری های دلبستگی در طول زمان نسبتاً ثابت هستند، اما کاملاً غیرقابل تغییر نیستند. مشکلات روان شناختی، ناسازگاری ها در روابط میان فردی اختلالات بالینی اغلب ناشی از مدل های فعال ساز و سبک های دلبستگی ناایمن می باشند. نکته ی کلیدی این است که یک سری اصول بنیادی مشترک در روابط میان فردی صمیمانه در تمام دوران زندگی مورد استفاده قرار می گیرند. اصول دلبستگی میان کودکان و مادران آنها اساساً مشابه اصول دلبستگی در میان بزرگسالان می باشد. بالبی در تحقیقی دریافت یک عامل متمایزکننده ی کودکان بزهکار از کودکان دچار مشکلات هیجانی این بود که کودکان بزهکار اغلب جدایی های بلندمدت ناشی از بیماری یا مرگ والدین، فروپاشی خانواده و ... را تجربه کرده بودند، اما کودکان با مشکلات هیجانی چنین تجربه هایی را نداشتند. محرومیت جدی از مراقبت مادر، نوجوانی بی عاطفه، روابط سطحی و خصومت کودک نسبت به دیگران همراه با تمایلات ضداجتماعی را موجب می شود. (بشارت، ۱۳۸۳).

همچنین می توان گفت که در هر دوره از زندگی، فرد درگیر روابط ویژه ای با دیگران است که می تواند سلامت فردی و اجتماعی او را ارتقا بخشد یا وی را دچار آسیب کند. یافتن شریک زندگی، رویداد مهمی در رشد بزرگسالی است که تأثیر عمیقی بر خودپنداره و سلامت روانی دارد. (برک، ۲۰۰۸). در پژوهش های وزارت علوم، تحقیقات و فناوری، ۲۲ درصد دانشجویان در سال ۸۸ و ۲۱ درصد در سال ۸۴ اظهار کردند که اخیراً تجربه داشته اند. چنین شکستی شکست در روابط عاطفی شدیداً می تواند در افت تحصیلی نقش داشته باشد. ورود به دانشگاه، شکست عاطفی ابعاد جدیدی می یابد، زیرا با تغییر موقعیت و دوری از خانواده؛ نیازمندی های عاطفی خاص تر شده و از طرفی امکان ارتباط با جنس دیگر فراهم می شود اما برخی افراد در حالی درگیر این روابط می شوند که هنوز رشد اجتماعی لازم را کسب نکرده اند، در نتیجه برای اولین بار دچار مشکلاتی می شوند (پور شریفی و همکاران، ۱۳۸۳). همچنین در تبیین این یافته می توان گفت که تمایز، با توجه به کارکرد درون روانی، توانایی جداسازی فرایندهای عاطفی از فرایندهای عقلانی و با توجه به کارکرد بین فردی، توجه به تجربه کردن صمیمیت همراه با استقلال در روابط بین فردی و تعادل مناسب میان آنها را نشان میدهد (تواسون، ۲۰۰۰).

سپاسگزاری

این مقاله برگرفته از پایاننامه کارشناسی ارشد دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرمانشاه می باشد. بدین وسیله از شرکت کنندگان محترم که جهت انجام این پژوهش ما را یاری نمودند تشکر و قدردانی به عمل می آید.



منابع و مآخذ

- بشارت، محمدعلی؛ شریفی، ماندانا؛ وایروانی، محمد؛ (۱۳۸۳). بررسی رابطه سبک‌های مکانیسم‌های دفاعی؛ مجله روانشناسی شماره ۱۹، ۴۵-۳۳ شکیبایی، طیبه. (۱۳۸۵). بررسی تأثیر آموزش خود متمایزسازی بر سلامت روان زنان پس از طلاق. پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی. دهقانی، محمود. (۱۳۸۹). کارایی روان‌درمانی کوتاه مدت تعدیل‌کننده اضطراب بر نشانگان ضربه عشق. پایان نامه دکتری روانشناسی. دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.
- گل محمدی، حاتم. (۱۳۹۰). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و شیوه‌های فرزندپروری ادراک شده با خودکارآمدی دانشجویان. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی.

Berk LE. Developmental psychology: from adolescence to adulthood (Volume 2). Translated by Seid Mohammadi, Y. Tehran: Arasbaran; 2007.

Hazan, C., shaver, P.R. (1990). Love and work: An Attachment Theoretical Perspective. Journal of Personality and social Psychology-vol 59, No 2. 220-280.

Mikulincer, M.(2005). Attachment Working Models and the Sense of Trust: An exploration of interaction goals and affect regulation. Journal of personality and social psychology. 74, 1209-1224

Archive of SID